

# انترناسیونال



## حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۱۱۸۲

شنبه ۶ تیر ۱۴۰۵ و ۲۷ ژوئن ۲۰۲۶

## حزب کمونیست کارگری ایران

### حزب شماسست.

### به حزب خودتان پیوندید!

حلقه لبنان در تفاهم‌نامه میان ایران و آمریکا

#### محسن ابراهیمی

صفحه ۳

#### بحران تفسیر؛ تفسیر بحران

#### سیاوش آذری

صفحه ۴

#### تهدید جمعی از نمایندگان به تحصن در مقابل مجلس

اسلامی

#### مهران محبی

صفحه ۵

#### حزب کمونیست کارگری ایران: تاریخچه، مبانی

#### فکری و جایگاه سیاسی

صفحه ۶

#### اطلاعیه های حزب حزب کمونیست کارگری

در صفحات ۷ و ۸

## هراس حکومت از انفجار اجتماعی

### شهلا دانشفر

در شرایطی که موج گرانی، تورم افسارگسیخته و سقوط مداوم قدرت خرید، زندگی میلیون‌ها کارگر، بازنشسته و خانواده‌های زحمتکش را زیر فشار خردکننده قرار داده است، نشانه‌های روشنی از بازگشت اعتراضات اجتماعی به صحنه دیده می‌شود. مردمی که در خیزش دی‌ماه با شعار ماندگار "فقر، فساد، گرانی، می‌ریم تا سرنگونی" به میدان آمدند و با گوله و سرکوب پاسخ گرفتند، بار دیگر با جسارت در حال سازمان یابی و بازگشت به خیابان هستند. اعتراضات معیشتی و کف خیابانی که در نقاط مختلف کشور سر بلند می‌کند، بیانگر انباشت خشم و نارضایتی عمیقی است که سال‌هاست در بطن جامعه جریان دارد.

کارگران، مزدبگیران و اقشار فرودست نه تنها با گرانی سرسام‌آور کالاهای اساسی روبه‌رو هستند، بلکه با سیاست‌هایی مواجهند که عملاً بار بحران اقتصادی را بر دوش آنان می‌اندازد. نتیجه چنین وضعیتی، گسترش فقر، ناامنی معیشتی و فرسایش هرچه بیشتر زندگی اکثریت مردم است. در این میان، اعتراضات مختلف کارگری، بازنشستگان و اعتراضات اجتماعی تنها بخشی از واقعیتی است که در زیر پوست جامعه جریان دارد؛ واقعیتی که هر لحظه می‌تواند به اعتراضات گسترده‌تر و سراسری‌تر تبدیل شود.

اعتراف به فضای انفجاری جامعه

اظهارات اخیر برخی از مقامات کنونی و سابق حکومتی رژیم نیز بازتاب روشنی از همین نگرانی است. مسعود پزشکیان اخیراً با ابراز نگرانی از وضعیت موجود گفته است: "من از این می‌ترسم که نتوانیم مردم را راضی کنیم و به خیابان بیایند اعتراض کنند." از این واضح تر نمیشود وحشت حکومت از فضای انفجاری جامعه را بیان کرد.

در همین راستا، مسعود روغنی زنجانی، رئیس سابق سازمان برنامه و بودجه در دولت رفسنجانی، نیز با اشاره به بی‌اعتمادی عمیق مردم نسبت به حکومت، نسبت به پیامدهای تداوم فشارهای اقتصادی هشدار داده است. او تأکید می‌کند که در بسیاری از مناطق کشور، از جمله بخش‌هایی از لرستان و ایلام، فشار اقتصادی به مرزهای بحرانی رسیده و اگر مسئله قدرت خرید مردم حل نشود، بی‌ثباتی اجتماعی اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. اعتراف او به این که "مردم واقعاً خسته شده‌اند" بیانگر عمق بحرانی است که حاکمیت با آن روبه‌روست.

ادامه در صفحه ۲

## هراس حکومت از انفجار اجتماعی



شهلا دانشفر

از جمله در ادامه گرانی‌های کمرشکن در همین روزهای آغازین تیرماه اخبار رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی از گران شدن دوبرابری قیمت نان حاکی بود. یک بازی خطرناک با آخرین سنگر غذایی مردم!

این وضعیت به‌راستی به بشکه باروتی تبدیل شده است که هر لحظه امکان انفجار آن وجود دارد. مردمی که دادخواهند، مردمی که خواهان زندگی شایسته و انسانی‌اند، و مردمی که در اشکال گوناگون برای ادامه مسیر انقلاب ناتمام خود تلاش می‌کنند، نیروی اصلی این تحولات را تشکیل می‌دهند. همین ظرفیت اعتراضی و همین چشم‌انداز گسترش مبارزات اجتماعی است که وحشت و هراس را به درون حاکمیت کشانده و آنها را به تشدید سرکوب، زندان و پرونده‌سازی علیه فعالان اجتماعی و سیاسی سوق داده است.

در بستر چنین شرایطی است که اعتراضات بخش‌های مختلف جامعه یکی پس از دیگری سر برمی‌آورند. از دانش‌آموزان و دانشجویان گرفته تا کارگران مراکز مهم تولیدی، بازنشستگان، خانواده‌های دادخواه، زنان معترض و مخالفان اعدام، همگی به اشکال مختلف در برابر وضع موجود ایستاده‌اند. این مبارزات هرچند هنوز در بسیاری موارد پراکنده‌اند، اما ظرفیت آن را دارند که به شبکه‌ای گسترده‌تر از همبستگی و مقاومت اجتماعی تبدیل شوند و یک انفجار عظیم اجتماعی را در چشم‌انداز نزدیک قرار دهند.

امروز بیش از هر زمان دیگری روشن است که مقابله با تعرضات معیشتی و سیاست‌های فقرساز حاکمیت در پناه سرکوب و کشتارش، در گرو گسترش سازمان‌یابی، پیوند اعتراضات بخش‌های مختلف جامعه با یکدیگر، ایجاد شبکه‌های پایدار همبستگی و شکل‌گیری صفی متحد از همه قربانیان فقر، تبعیض و سرکوب است. کارگران، بازنشستگان، معلمان، دانشجویان، زنان و جوانان معترض، هر یک بخشی از نیروی عظیمی هستند که در صورت اتحاد و همبستگی می‌تواند موازنه قدرت را به سود جامعه تغییر دهد.

واقعیت این است که هیچ راه‌حلی از بالا برای مردمی که سال‌هاست هزینه بحران‌ها، فساد، غارت و سرکوب را پرداخته‌اند وجود ندارد. همان‌گونه که خشم انباشته‌شده مردم امروز به کابوس مقامات حکومتی تبدیل شده است، نیروی تغییر نیز در دست خود مردم قرار دارد. هر اعتصاب، هر تجمع اعتراضی، هر حلقه همبستگی و هر گام در جهت سازماندهی جمعی، بخشی از قدرتی را می‌سازد که می‌تواند در برابر فقر، بی‌عدالتی و سرکوب بایستد.

هراس حاکمان از اعتراضات خیابانی و انفجارهای اجتماعی از آگاهی روزافزون و ظرفیت متشکل شدن مردمی سرچشمه می‌گیرد که دیگر حاضر نیستند بار بحران‌های حکومت را بر دوش بکشند. از همین رو، پاسخ به گرانی، فقر و تعرض معیشتی، گسترش سازماندهی در محیط‌های کار و زندگی، تقویت همبستگی سراسری و پیوند دادن مبارزات پراکنده به یک جنبش متحد و قدرتمند اجتماعی است. آینده را اراده و مبارزه متشکل مردمی رقم خواهند زد که برای نان، آزادی، کرامت و یک زندگی انسانی به پا خاسته‌اند.

حتی رسانه‌های نزدیک به ساختار رسمی نیز ناچار به اذعان این واقعیت شده‌اند. سایت رویداد ۲۴ در تحلیلی می‌نویسد: "حقیقت تلخ آن است که مردم از وعده، جراحی‌های اقتصادی بدون دستمزد عادلانه و تهدیدهای مداوم خسته‌اند. اگر حاکمیت و دولت مستقر نتوانند رضایت عینی، ملموس و اقتصادی مردم را جلب کنند، خیابان بار دیگر میزبان کسانی خواهد بود که چیزی برای از دست دادن ندارند."

از سوی دیگر، برخی چهره‌های اقتصادی نزدیک به حاکمیت نیز ریشه بحران را صرفاً در تحریم‌ها نمی‌بینند. مشاور عالی رئیس اتاق بازرگانی تهران در اظهارنظری قابل تأمل می‌گوید: "اگر ترامپ تمام تحریم‌ها را لغو کند و فردا با پزشک‌های تهران آبگوشت بزیاش بخورد، وضع مردم بهتر نمی‌شود؛ حتی ممکن است بدتر هم بشود، چون دولت پولدارتر می‌شود و فساد هم بیشتر." چنین اظهاراتی، نشان می‌دهد که حتی بخشی از بدنه کارشناسی نزدیک به حکومت نیز بحران را در ساختارهای فاسد، رانتی و غارتگر موجود می‌بیند.

تلاشهای بی‌ثمر برای مهار نارضایتی‌ها

در چنین فضایی و در هراس از انفجار خشم عمومی، تلاش‌هایی نیز برای هدایت و مهار نارضایتی‌های مردمی در چارچوب‌های بی‌خطر برای حاکمیت صورت می‌گیرد. نمونه آن کارزارهایی است که به جای پرداختن به ریشه‌های واقعی بحران، از نهادهای رسمی درخواست کنترل قیمت‌ها و اصلاحات محدود می‌کنند. منتقدان این رویکردها معتقدند که این‌گونه اقدامات بیش از آن که راه‌حلی برای مشکلات ساختاری اقتصاد باشند، تلاشی برای تخلیه و کنترل نارضایتی عمومی در چهارچوب قواعد مورد قبول حکومت هستند.

واقعیت اما آن است که بحران اقتصادی کنونی محصول مجموعه‌ای از سیاست‌ها و ساختارهایی است که طی دهه‌ها شکل گرفته‌اند. بن‌بست اقتصادی حکومت، چپاول و غارت سازمان‌یافته توسط باندهای مافیایی حاکم، هزینه‌های نجومی جنگ‌افروزی‌های منطقه‌ای، بودجه‌های کلان دستگاه‌های سرکوب، زندان و اعدام، و همچنین رانت‌خواری گسترده نهادهای مذهبی و ایدئولوژیک، همگی از جیب مردم تأمین شده و بار آن بر دوش کارگران و زحمتکشان افتاده است. نتیجه این سیاست‌ها چیزی جز تعرض دائمی به معیشت مردم و ربودن آخرین لقمه نان از سفره آنان نبوده است.

**زنده باد جمهوری سوسیالیستی!**

محسوب می‌شد.

حزب‌الله لبنان هم همواره یکی از بازیگران کلیدی در این شبکه و محور بوده است. اما پس از ضربات سنگین وارد شده به نیروهای نیابتی جمهوری اسلامی و مخصوصاً سقوط بشار اسد، اهمیت لبنان و حزب‌الله برای حکومت اسلامی افزایش یافته است. در چنین شرایطی، روشن است که چرا حزب‌الله در مرکز تلاش‌های جمهوری اسلامی برای احیای نفوذ منطقه‌ای خود قرار می‌گیرد. از همین زاویه می‌توان سخنان علی‌اکبر ولایتی، مشاور ارشد علی خامنه‌ای در امور بین‌الملل، را فهمید که گفته بود وجود حزب‌الله "از آب و نان شب هم برای لبنان ضروری‌تر است". در واقع، منظور اصلی او نه ضرورت حزب‌الله برای لبنان، بلکه ضرورت آن برای جمهوری اسلامی بود. همانطور که زمانی سوریه چنین جایگاهی داشت.

پرسش اصلی این است: چرا حزب‌الله لبنان برای جمهوری اسلامی چنان اهمیتی دارد که حتی در مقطع تلاش برای رسیدن به تفاهم با آمریکا، موضوع لبنان در بند نخست متن جای می‌گیرد؟

نفوذ سیاسی در لبنان از مسیر حزب‌الله، همواره بخشی مهم از راهبرد منطقه‌ای جمهوری اسلامی بوده است. از سال ۱۹۸۲ میلادی، جمهوری اسلامی با سازمان‌دهی حزب‌الله کوشید ساختاری شبیه "دولت در دولت" در لبنان ایجاد کند؛ ساختاری که بتواند در مرزهای شمالی اسرائیل به اهرمی دائمی برای فشار سیاسی، نظامی و امنیتی تبدیل شود. در این چارچوب، حشدالشعبی در عراق، حکومت بشار اسد در سوریه و حزب‌الله در لبنان، حلقه‌های بهم‌پیوسته "محور مقاومت" بوده‌اند.

اکنون، پس از ضربات سنگین به این شبکه نیابتی جمهوری اسلامی، کشته شدن فرماندهان سپاه و چهره‌های سیاسی حکومت، و هم‌زمانی این تحولات با خیزش دی‌ماه و سرکوب خونین معترضان، جمهوری اسلامی با بحرانی کم‌سابقه در سطح داخلی و منطقه‌ای روبه‌رو شده است. در چنین فضایی، پذیرش تفاهم‌نامه با آمریکا، تلاشی در جهت بقای سیاسی است. با این همه، لبنان و حزب‌الله همچنان برای جمهوری اسلامی جایگاه راهبردی دارند. اگر در جریان مذاکرات امکان دسترسی دوباره به منابع مالی فراهم شود، بازسازی حزب‌الله به‌دلیل موقعیت جغرافیایی لبنان و مرز مشترک آن با اسرائیل، همچنان یکی از اولویت‌های اصلی حکومت اسلامی خواهد بود. حمله اسرائیل به ضاحیه، که از مناطق کلیدی برای حزب‌الله محسوب می‌شود، و واکنش موشکی جمهوری اسلامی در زمانی که هم‌زمان در مسیر تفاهم با آمریکا قرار داشت، نشان می‌دهد تهران هنوز لبنان را بخشی از معادله بازسازی نفوذ منطقه‌ای خود می‌داند.

از سوی دیگر، جمهوری اسلامی در جریان مذاکره با آمریکا، لبنان را در کنار تنگه هرمز به‌عنوان یک کارت تاکتیکی برای چانه‌زنی به کار می‌گیرد. جمهوری اسلامی نیاز دارد در برابر بازماندگان "محور مقاومت اسلامی"، نیروهای سپاه و بسیج و وکلا نیروهای وفادار به نظام، تصویر حکومتی را حفظ کند که خون رهبر کشته شده شان در ایران و رهبر حزب‌الله در لبنان را به خاطر بقای سیاسی معامله نکرده است. از این منظر، تأکید بر حفظ حلقه حزب‌الله در لبنان نه فقط هنوز بخشی از سیاست منطقه‌ای جمهوری اسلامی، بلکه ابزاری برای مدیریت بحران سیاسی در داخل و بازسازی شبکه نیابتی‌ها برای تأمین نفوذ منطقه‌ای در آینده است.

اما واقعیت بنیادی‌تر آن است که جمهوری اسلامی، علاوه بر ضربه‌های جدی وارد شده بر بازوهای نیابتی‌اش، در خود ایران، درگیر فروپاشی اقتصادی، بن‌بست سیاسی، شکاف درونی قدرت و خیزش‌های پیاپی مردم است. کشتار بی‌سابقه دی‌ماه نه نشانه اقتدار، بلکه نشانه هراس حکومتی بود که می‌داند خطر اصلی نه از مرزها، بلکه از دل جامعه‌ای برمی‌خیزد که بارها در خیابان اعلام کرده است رهایی خود را در هیچ معامله‌ای میان جمهوری اسلامی و قدرت‌های جهانی جست‌وجو نمی‌کند. مهم‌ترین چالش پیش روی جمهوری اسلامی مردمی هستند که کارنامه ۴۸ ساله حکومت اسلامی به آنان آموخته است راه رسیدن به آزادی، کرامت و یک زندگی انسانی، از پایان دادن به عمر این حکومت با قدرت انقلاب خود می‌گذرد.

## حلقه لبنان در تفاهم‌نامه میان ایران و آمریکا



محسن ابراهیمی

پس از دو جنگ، دوره‌ای طولانی از تهدیدهای متقابل و بر زمین‌ه انبوهی از قربانیان کشتار دی‌ماه، یادداشت تفاهمی میان آمریکا و جمهوری اسلامی امضا شد؛ تفاهمی که بیش از آنکه پایان یک بحران باشد، آغاز مرحله‌ای تازه از کشمکش‌های سیاسی در اشکال جدید به نظر می‌رسد. مطابق معمول، پس از هفته‌ها پنهان‌کاری، مذاکرات پشت‌پرده و سردرگم‌نگه داشتن افکار عمومی از سوی رسانه‌ها، سرانجام متنی ۱۴ بندی با عباراتی کلی منتشر شد. آنچه از این متن برمی‌آید، توافق دو طرف بر سر آتش‌بسی. دو ماهه است؛ فرصتی برای مذاکره درباره جزئیاتی که هنوز نامعلوم مانده‌اند.

ضرب‌المثل معروفی می‌گوید "شیطان در جزئیات است". در این مورد، مسئله فقط پیچیدگی جزئیات نیست؛ بلکه طرفین تفاهم، هر یک با سابقه‌ای طولانی از مانور سیاسی و بحران‌آفرینی، دو ماه فرصت دارند تا تفاهم را به توافق تبدیل کنند و مسیر آینده را شکل دهند. به‌ویژه جمهوری اسلامی که با مجموعه‌ای از بحران‌های سیاسی داخلی و منطقه‌ای روبه‌روست، تلاش خواهد کرد این دوره را به عرصه‌ای تازه برای امتیازگیری و بازسازی موقعیت خود در منطقه تبدیل کند. بنابراین تا زمانی که این تفاهم به توافقی روشن و الزام‌آور تبدیل نشود، همه چیز همچنان معلق خواهد ماند و این احتمال هم کم نیست که به خاطر وقت‌کشی. شناخته شده مقامات حکومت اسلامی، به خاطر شکافها در بالای حکومت و میان باندهای مختلف شبکه گانگستری حاکم در ایران و حتی تحریکات جنگ افروزانه حکومت، به جای توافق، تنش جنگی دیگر آغاز شود. فاکتور نتانیاهو را هم نباید فراموش کرد که به دلایل مختلف از جمله تحت الشعاع قرار دادن موقعیت بحرانی خود در اسرائیل تمایل دارد تنش جنگی همچنان ادامه پیدا کند.

به هر حال، موانع متعددی در مسیر تبدیل این تفاهم‌نامه به توافقی پایدار وجود دارد. در این یادداشت کوتاه، تمرکز بر یکی از مهم‌ترین وجوه آن است: نقش لبنان و جایگاه حزب‌الله در محاسبات جمهوری اسلامی.

اگرچه این تفاهم‌نامه میان جمهوری اسلامی و آمریکاست، اما در همان بند نخست بر "پایان فوری و دائمی تمامی عملیات‌های نظامی در تمام جبهه‌ها، از جمله در لبنان، و احترام به تمامیت ارضی و حاکمیت لبنان" تأکید شده است. همین اشاره کافی است تا نشان دهد لبنان صرفاً یک موضوع حاشیه‌ای نیست، بلکه یکی از گره‌های اصلی این مناقشه 48 ساله میان آمریکا و جمهوری اسلامی است.

مهدی طائب، رئیس قرارگاه عمار، در سال ۱۳۹۱ گفته بود: "سوریه استان سی‌وپنجم ایران و منطقه‌ای راهبردی است. اگر دشمن قصد حمله داشته باشد و بخواهد خوزستان یا سوریه را اشغال کند، حفظ سوریه در اولویت است؛ زیرا در صورت حفظ سوریه می‌توان خوزستان را پس گرفت، اما با از دست دادن سوریه، حتی تهران نیز قابل حفظ نخواهد بود."

همین چند جمله به‌روشنی نشان می‌دهد که "عمق راهبردی" برای جمهوری اسلامی تا چه اندازه با شبکه نیروهای نیابتی و متحدان منطقه‌ای آن، یعنی همان "محور مقاومت" گره خورده است؛ شبکه و محوری که سوریه تحت حاکمیت بشار اسد، زمانی یکی از ستون‌های اصلی آن

## بحران تفسیر؛ تفسیر بحران



### سیاوش آذری

این خود نشان می‌دهد که اقتدار سیاسی رهبر جدید به آن درجه از تثبیت نرسیده که متن سخن او پایان‌بخش هر مناقشه‌ای باشد. از سوی دیگر، این تلاش برای تفسیر، تناقض عمیق‌تری را نیز آشکار می‌کند. جمهوری اسلامی بیش از چهار دهه، آمریکاستیزی و اسرائیل‌ستیزی را نه صرفاً به‌عنوان سیاست خارجی، بلکه به‌عنوان یکی از ارکان هویت ایدئولوژیک خود بازتولید کرده است. اکنون همان حکومت ناچار شده با همان دشمن دیرینه وارد توافق شود. چنین چرخشی، خواه موقت باشد یا دائمی، نمی‌تواند بدون هزینه سیاسی و ایدئولوژیک باقی بماند.

از همین رو، رهبر می‌گوید "نظر دیگری" داشته است، رئیس‌جمهور مسئولیت تصمیم را می‌پذیرد و حداد عادل نیز می‌کوشد توضیح دهد که اساساً مخالفی در کار نبوده است. این زنجیره از موضع‌گیری‌ها، بیش از آنکه نشانه انسجام باشد، نشانه تلاشی مستمر برای ترمیم شکافی است که خود توافق در درون حکومت ایجاد کرده است.

جمهوری اسلامی امیدوار است که کاهش تنش با آمریکا بتواند بخشی از بحران اقتصادی و سیاسی کشور را مهار کند. کاهش فشارهای خارجی، آزاد شدن بخشی از منابع مالی و باز شدن نسبی مسیر تجارت و سرمایه، می‌تواند برای حکومت فرصتی فراهم آورد تا نفس تازه کند و از شدت بحران داخلی بکاهد. اما همین سیاست، تناقض تازه‌ای نیز می‌آفریند.

رژیمی که سال‌ها مشروعیت خود را بر دشمنی با آمریکا بنا کرده، اکنون باید برای همان بدنه‌ای که با این گفتمان بسیج شده است توضیح دهد که چرا این دشمن، ناگهان به شریک مذاکره تبدیل شده است. در چنین شرایطی، خطر اصلی نه در واشنگتن، بلکه در تهران است؛ نه در متن توافق، بلکه در پیامدهای سیاسی و ایدئولوژیک آن برای خود جمهوری اسلامی.

مسئله اصلی، خود توافق نیست؛ مسئله، بحرانی است که توافق در درون جمهوری اسلامی آشکار کرده است. رژیمی که چهار دهه مشروعیت سیاسی خود را بر تقابل با آمریکا و اسرائیل بنا کرده، اکنون ناچار شده همان سیاست را با زبانی تازه توضیح دهد. از این رو، نزاع امروز نه بر سر متن تفاهم، بلکه بر سر معنای آن است. هر جناح می‌کوشد توافق را چنان تفسیر کند که کمترین هزینه را برای موقعیت خود و بیشترین امکان را برای حفظ انسجام درونی حکومت فراهم آورد.

به همین دلیل، توافق اخیر را نباید صرفاً از منظر روابط خارجی فهمید. اهمیت واقعی آن در این است که شکافی را آشکار کرده که سال‌ها زیر پوشش اقتدار ایدئولوژیک پنهان مانده بود. جمهوری اسلامی شاید بتواند با آمریکا به توافق برسد، اما هنوز نتوانسته است با تناقضات درونی خود و با جامعه‌ای که خواهان آزادی، برابری و زندگی انسانی است، به توافق برسد. و همین، شاید مهم‌ترین بحران امروز جمهوری اسلامی باشد.

گاهی آنچه بیش از خود یک موضع سیاسی اهمیت دارد، تلاشی است که برای تفسیر آن صورت می‌گیرد. پیام اخیر مجتبی خامنه‌ای درباره تفاهم با آمریکا از همین جنس است. شاید خود پیام به اندازه کوشش‌هایی که برای توضیح و بازتفسیر آن آغاز شده، درباره وضعیت جمهوری اسلامی سخن نگوید.

عبارت مجتبی خامنه‌ای از نظر معنای سیاسی چندان پیچیده نیست. او می‌گوید شخصاً نظر دیگری داشته، اما به دلیل آنکه رئیس‌جمهور و اعضای شورای عالی امنیت ملی مسئولیت تصمیم را پذیرفته‌اند، اجازه امضای تفاهم را صادر کرده است. این یعنی رهبر جمهوری اسلامی تصمیم را تأیید کرده، اما هم‌زمان از نظر سیاسی خود را از مسئولیت مستقیم آن کنار کشیده است.

اما حداد عادل این عبارت را به گونه‌ای دیگر می‌خواند. به گفته او، منظور رهبر این نبوده که با اصل توافق مخالف بوده است، بلکه صرفاً "مسیر دیگری" را ترجیح می‌داده و همین موضع نیز دست مذاکره‌کنندگان ایرانی را در برابر آمریکا تقویت کرده است.

این استدلال، اگر مخاطبش دولت آمریکا باشد، تقریباً بی‌معناست. اگر واقعاً هدف تقویت موضع مذاکره‌کنندگان بود، توضیح دادن این تاکتیک به طرف مقابل دقیقاً آن را بی‌اثر می‌کند. هیچ مذاکره‌کننده‌ای پس از پایان مذاکره به طرف مقابل نمی‌گوید که فلان موضع صرفاً برای بالا بردن قدرت چانه‌زنی اتخاذ شده بود. بنابراین، مخاطب واقعی حداد عادل نه واشنگتن، بلکه داخل جمهوری اسلامی است.

آنچه او می‌کوشد مدیریت کند، نه برداشت آمریکایی‌ها، بلکه واکنش نیروهای خود حکومت است؛ همان نیروهایی که طی روزهای گذشته توافق را عقب‌نشینی، سازش یا حتی خیانت توصیف کرده‌اند. به همین دلیل نیز حداد عادل بلافاصله تأکید می‌کند که متهم کردن مذاکره‌کنندگان به خیانت، برخلاف نظر رهبر است. این سخن نه خطاب به آمریکا، بلکه خطاب به جریان‌های تندرو و بدنه ایدئولوژیک جمهوری اسلامی است.

همین نکته، شاید بیش از هر چیز، از شکنندگی وضعیت کنونی رژیم حکایت می‌کند. اگر اقتدار رهبر جدید همان اقتداری بود که علی خامنه‌ای طی دهه‌های گذشته از آن برخوردار بود، اساساً نیازی به چنین تفسیرهایی وجود نداشت. سخن رهبر خود مرجع نهایی معنا بود. اکنون اما یکی از مهم‌ترین چهره‌های نظام ناچار است توضیح دهد که رهبر "در واقع" چه منظوری داشته است.

**اساس سوسیالیسم انسان است!**

## تهدید جمعی از نمایندگان به تحصن در مقابل

### مجلس اسلامی

#### مهران محبی

۳۹ روزه) مجلس را تعطیل کرده تا برنامه‌های تفاهم و مذاکرات با ترامپ را به میل خود و بدون هیچ نظارتی به پیش ببرد. باند مخالف مذاکرات شاکي هستند که حتی از جزئیات مرتبط با روند رسیدن به تفاهم‌نامه هم بی‌خبر مانده‌اند؛ و به نظر می‌رسد ادعای درستی باشد. از اینرو است که بست‌نشینی در مقابل "در" بسته مجلس را اقدامی مناسب و مؤثر در اعمال فشار بر قالیباف و دیگر مقامات به پیش برنده مذاکرات دیده‌اند.

همان‌طور که پیشتر از نبویان نقل قول شد، مخالفان مذاکرات راست می‌گویند که از خطوط قرمز "رهبری" عبور شده و جای تقابل با آمریکا را روند رو به تعامل در پیش گرفته است. علی‌خامنه‌ای علی‌رغم اینکه بارها در پشت پرده هم در دوران برجام و هم بعد از آن تا هنگام کشته شدنش با مذاکرات با آمریکا موافقت کرده بود، اما در جلوی صحنه مدام یا صراحتاً با مذاکره مخالفت می‌کرد یا مسؤلیت را از گردن خود می‌انداخت. حالا هم آنچه به مجتبی منتسب می‌شود، تکرار همان رویکرد خامنه‌ای است. استدلال این باند در نگرانی از عبور از خطوط قرمز رهبری این است که به درستی می‌دانند کنار آمدن با آمریکا و اسرائیل، چیزی از مکتب و ایدئولوژی اسلام سیاسی باقی نمی‌گذارد؛ همان ایدئولوژی‌ای که حکومت از روز اول بر آن بنا شد، با اتکا به آن انقلاب ۵۷ را شکست داد، و ماشین سرکوب مردم معترض به حاکمیت و قوانین ارتجاعی اسلامی را سازمان داد. از نظر آنان، عقب‌نشینی از این ایدئولوژی می‌تواند روند سرنگونی رژیم به دست مردم را تسریع کند. از طرف دیگر سکنداران اصلی حکومت هم که به ناچار مسیر تعامل با آمریکا را در پیش گرفته‌اند، درست می‌گویند و دلایل در نوع خود "معقولی" دارند. این‌ها هم باور دارند که بدون کنار آمدن با آمریکا و بدون دست کشیدن از باور به نابودی اسرائیل و بدون توقف در ایجاد بحران‌ها و ناامنی‌های منطقه‌ای، وضع اقتصاد از این که هست بارها وخیم‌تر خواهد شد و خود اوضاع اقتصادی و معیشتی و بحران بقاء برای اکثریت مردم در داخل، نظام را به سرنگونی خواهد کشید.

اما با توجه به شرایط واقعی‌ای که رژیم را احاطه کرده است، هیچ‌یک از راه‌حل‌های دو طرف برای ادامه حیات حکومت گره‌گشا نیستند و همین تناقضات و عدم کارساز بودن روش‌های در پیش گرفته شده توسط باندها در حل بحران هستند که حکومت را از درون تا این حد که به اصطلاح "بوی خون می‌دهد" به جان یکدیگر انداخته است. در چنین شرایطی حتی اگر علی‌خامنه‌ای هم زنده بود، نمی‌توانست مانند گذشته نقش مدیریت بحران درونی را ایفا کند. او حتی در چند ماه قبل از کشته شدنش تحت فشار برای رفتن به سوی تعامل با آمریکا قرار گرفته بود. بارها قالیباف و همسویانش از زبان پزشک‌های فشار خود را بر خامنه‌ای برای پایان دادن به جنگ و رسیدگی به اوضاع اقتصادی در قالب نامه‌های درخواستی اعمال کرده بودند.

در نتیجه، این بحران "تعامل و تقابل" که با مرگ خامنه‌ای و زیر فشار بحران‌ها و بن‌بست‌های داخلی و منطقه‌ای و بین‌المللی از دی ۱۴۰۴ تشدید شده است، همچنان عمیق‌تر خواهد شد و ساختار رژیم را از درون بیشتر از پیش فرو خواهد پاشید. جمهوری اسلامی نه می‌تواند با آمریکا تعامل قطعی کند و نه می‌تواند تقابل کند. چون در برابرش جامعه‌ای سنگر گرفته که از هر ضعف آن برای ضربه زدن و سرنگون کردنش استفاده می‌کند.

به تناسب ادامه مذاکرات بعد از امضای تفاهم‌نامه میان جمهوری اسلامی و ترامپ، درگیری‌های میان باندهای حکومتی اساسی‌تر و در حال میدانی‌تر شدن هستند. تنش‌ها به حدی بالا گرفته که کار به تهدید به حذف مهره‌های موافق تفاهم و مذاکرات و قشون‌کشی‌های میدانی از سوی باند پایداری و مداحان مجتبی‌خامنه‌ای کشیده شده است.

متأخرترین تهدیدات باند پایداری، انتشار بیانیه‌ای با امضای ۴۴ نماینده مجلس از جمله کامران غضنفری و احمد راستینه و حمید رسائی است که اعلام کرده اند یکشنبه هفتم تیر به مجلس خواهند رفت و اگر "در" مجلس بسته باشد همانجا با حضور مردم جلسه برگزار خواهند کرد. علت انتشار این بیانیه تهدیدآمیز هم طبق آنچه که ادعا شده، تا حدی مرتبط با شرایط حساس کشور از جمله روند مذاکرات و تفاهم با آمریکا و به اصطلاح مسائل اقتصادی و ضرورت ایفای نقش نظارتی مجلس بر موارد مذکور بوده است. البته معلوم است که عنوان کردن مسائل اقتصادی در کنار موضوع مذاکرات و تفاهم، تنها یک ریاکاری برای به خیال خودشان همسو کردن جامعه به تنگ آمده از فقر و تورم با خود است تا از این طریق جبهه‌ای قدرتمند را در برابر باند قالیباف و دیگر موافقان مذاکرات ایجاد کنند.

در یک اقدام بی سابقه دیگر که حکایت از نشان دادن چراغ سبز صدا و سیما رژیم به موافقت با ادامه مذاکرات دارد، معاونت سیاسی صدا و سیما بیانیه‌ای منتشر کرده که در آن ادعا شده آخوند محمود نبویان نماینده و نایب‌رئیس کمیته امنیت ملی مجلس به خاطر لو دادن اسناد طبقه‌بندی شده و مکاتبات مسؤلان کشور بر روی آنتن زنده صدا و سیما مورد پیگرد قضائی قرار گرفته و در این رابطه استعفای (اجبار به استعفا) مدیرکل برنامه‌های سیاسی صدا و سیما توسط مدیریت شبکه خبر پذیرفته شده است.

ماجرای لو دادن اسناد طبقه‌بندی شده توسط نبویان این بوده که او بخش‌هایی از نامه‌های سری منتسب به مجتبی‌خامنه‌ای و مکاتبات محرمانه سران رژیم در رابطه با مذاکرات با آمریکا را در یک گزارش زنده خبری قرائت کرده بود. در این برنامه، نبویان متن نامه‌ای به اصطلاح از مجتبی‌خامنه‌ای را قرائت می‌کند که او در آن نامه به تاریخ ۱۵ فروردین ۱۴۰۵ با مذاکره بر سر موضوع هسته‌ای مخالفت کرده است و بر اساس آن حالا نبویان مدعی است که در تفاهم‌نامه و شروط و برنامه‌های ادامه مذاکرات، خطوط قرمز "آقا" زیر پا گذاشته شده است.

در چنین شرایطی است که باند پایداری با تنگ‌تر شدن میدان برای مؤثر واقع کردن مخالفت‌های خود در ممانعت از ادامه مذاکرات در صدد کشاندن درگیری‌ها به صحن مجلس بر آمده است. این باند مدت‌هاست از زمان آتش‌بس جنگ ۳۹ روزه از طریق گسیل عوامل خود به تجمعات شبانه حکومتی تلاش می‌کند مانع از ادامه مذاکرات با آمریکا شود، ولی موفق نبوده است. حالا "بر آن" شده‌اند که نزاع را به صحن مجلس بکشانند. پایداری‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که قالیباف چهار ماه است (از زمان شروع جنگ

## حزب کمونیست کارگری ایران: تاریخچه، مبانی فکری و جایگاه سیاسی (یک معرفی کوتاه)

### مقدمه

حزب کمونیست کارگری ایران یکی از جریان‌های شناخته‌شده چپ در اپوزیسیون جمهوری اسلامی است که ریشه‌های فکری آن به سنت مارکسیسم انقلابی و به‌ویژه اندیشه‌های منصور حکمت بازمی‌گردد. این حزب در اوایل دهه ۱۳۷۰ خورشیدی و در شرایطی شکل گرفت که بخش بزرگی از جنبش چپ ایران در پی فروپاشی بلوک شرق، بحران‌های نظری و سیاسی گسترده‌ای را تجربه می‌کرد. حزب کمونیست کارگری تلاش کرد در چنین فضایی از کمونیسمی دفاع کند که نه بر مدل‌های دولتی شوروی و چین، بلکه بر آزادی، برابری، سکولاریسم و رهایی انسان استوار باشد.

این حزب خود را نماینده منافع طبقه کارگر و مدافع یک تحول انقلابی برای پایان دادن به جمهوری اسلامی و نظام سرمایه‌داری در ایران معرفی می‌کند.

### شکل‌گیری حزب

حزب کمونیست کارگری ایران در سال ۱۹۹۱ میلادی (۱۳۷۰ خورشیدی) به رهبری منصور حکمت تأسیس شد. منصور حکمت پیش از آن یکی از رهبران حزب کمونیست ایران بود، اما در پی اختلافات نظری و سیاسی با گرایش‌های مختلف موجود در آن حزب، جریان کمونیسم کارگری را بنیان گذاشت.

از دید حکمت، بخش بزرگی از چپ سنتی ایران تحت تأثیر ناسیونالیسم، پوپولیسم و الگوهای شکست‌خورده سوسیالیسم دولتی قرار داشت. او معتقد بود کمونیسم باید مستقیماً بر آزادی انسان، برابری کامل و قدرت سیاسی طبقه کارگر استوار شود.

### مبانی فکری

کمونیسم کارگری خود را ادامه سنت مارکس و کمونیسم کارگری قرن نوزدهم می‌داند. این جریان بر چند اصل اساسی تأکید دارد:

#### ۱. آزادی و برابری

حزب کمونیست کارگری معتقد است که آزادی‌های سیاسی، آزادی بیان، آزادی تشکل، آزادی مذهب و همچنین آزادی نقد مذهب باید بدون هیچ قید و شرطی تضمین شوند.

این حزب همزمان بر برابری اقتصادی و اجتماعی تأکید دارد و معتقد است آزادی بدون برابری واقعی نمی‌تواند کامل باشد.

#### ۲. سکولاریسم رادیکال

یکی از شناخته‌شده‌ترین ویژگی‌های این حزب مخالفت قاطع با هر نوع حکومت مذهبی است. حزب کمونیست کارگری خواهان جدایی کامل دین از دولت، آموزش، قانون و نظام قضایی است و جمهوری اسلامی را نمونه‌ای از حکومت مبتنی بر تبعیض مذهبی می‌داند.

#### ۳. دفاع از حقوق زنان

این حزب برابری کامل زن و مرد را یکی از محورهای اصلی فعالیت خود می‌داند. مخالفت با حجاب اجباری، دفاع از حق انتخاب زنان، مبارزه با خشونت علیه زنان و دفاع از حقوق برابر در تمامی عرصه‌های اجتماعی از جمله سیاست‌های اعلام‌شده آن است.

#### ۴. دفاع از حقوق کارگران

حزب کمونیست کارگری بر ایجاد تشکل‌های مستقل کارگری، افزایش سطح رفاه عمومی، تأمین اجتماعی همگانی، آموزش و درمان رایگان و تضمین استانداردهای بالای زندگی برای همه شهروندان تأکید دارد.

### موضع در قبال جمهوری اسلامی

مخالفت با جمهوری اسلامی همواره محور اصلی سیاست این حزب بوده است. حزب کمونیست کارگری جمهوری اسلامی را حکومتی مذهبی، سرکوبگر و ضد انسانی می‌داند و بر سرنگونی انقلابی آن تأکید می‌کند.

این حزب در اعتراضات مختلف اجتماعی و سیاسی ایران، از جمله جنبش دانشجویی، اعتراضات کارگری و خیزش‌های مردمی سال‌های اخیر، از مطالبات معترضان حمایت کرده است.

در جریان جنبش «زن، زندگی، آزادی» نیز این حزب آن را نقطه عطفی در مبارزه مردم علیه جمهوری اسلامی ارزیابی کرد و از آن حمایت نمود.

### دیدگاه اقتصادی

از منظر اقتصادی، حزب کمونیست کارگری منتقد نظام سرمایه‌داری است. این حزب معتقد است که سرمایه‌داری، حتی در شکل دموکراتیک آن، به بازتولید نابرابری و سلطه اقلیت ثروتمند بر اکثریت جامعه منجر می‌شود.

برنامه اقتصادی این حزب بر مالکیت اجتماعی بر ابزارهای اصلی تولید، گسترش خدمات عمومی، حذف فقر و تضمین رفاه همگانی استوار است.

### جایگاه در اپوزیسیون ایران

حزب کمونیست کارگری بخشی از اپوزیسیون جمهوری اسلامی را تشکیل می‌دهد و در کنار سایر نیروهای جمهوری خواه، چپ، لیبرال و ملی فعالیت می‌کند. با این حال، این حزب از نظر سیاسی و نظری تفاوت‌های مهمی با بسیاری از جریان‌های اپوزیسیون دارد.

در حالی که برخی نیروهای اپوزیسیون بر تغییرات تدریجی یا اصلاح ساختارهای موجود تأکید دارند، حزب کمونیست کارگری بر تحول انقلابی و تغییر بنیادین ساختار سیاسی و اقتصادی جامعه تأکید می‌کند. همچنین این حزب با بازگشت سلطنت، حکومت‌های مذهبی و اشکال مختلف ناسیونالیسم سیاسی مخالفت کرده است.

### تأثیر منصور حکمت

درک حزب کمونیست کارگری بدون شناخت منصور حکمت دشوار است. او مهم‌ترین نظریه‌پرداز این جریان محسوب می‌شود و آثار او همچنان مبنای نظری بسیاری از مواضع حزب را تشکیل می‌دهد.

حکمت تلاش کرد تصویری از کمونیسم ارائه دهد که بر آزادی فردی، برابری اجتماعی، رفاه عمومی و دخالت مستقیم مردم در اداره جامعه استوار باشد. بسیاری از اعضا و هواداران حزب، اندیشه‌های او را مهم‌ترین مرجع نظری خود می‌دانند.

### نتیجه‌گیری

حزب کمونیست کارگری ایران یکی از مهم‌ترین جریان‌های چپ معاصر ایران است که خود را وارث سنت مارکسیسم انقلابی و کمونیسم کارگری می‌داند. این حزب بر آزادی، برابری، سکولاریسم، حقوق زنان، حقوق کارگران و سرنگونی جمهوری اسلامی تأکید دارد و تلاش می‌کند آلترناتیوی سوسیالیستی برای آینده ایران ارائه دهد.

صرف‌نظر از موافقت یا مخالفت با دیدگاه‌های این حزب، کمونیسم کارگری و حزب کمونیست کارگری ایران در سه دهه گذشته بخشی از مباحث سیاسی و نظری اپوزیسیون ایران بوده‌اند و در شکل‌گیری برخی از گفتمان‌های مرتبط با آزادی، سکولاریسم و برابری اجتماعی نقش قابل توجهی ایفا کرده‌اند.

## تجمع اعتراضی کارکنان حوزه بهداشت دانشگاه علوم پزشکی قزوین و دور جدید اعتراضات دانش آموزان

دانشگاه علوم پزشکی قزوین

امروز سی ام خرداد کارکنان حوزه بهداشت دانشگاه علوم پزشکی قزوین در اعتراض به مشکلات معیشتی، وضعیت حقوق و مطالبات پرداخت نشده و تعطیل نبودن پنجشنبه‌ها در مقابل ستاد وزارت بهداشت دست به تجمع زدند و خواهان پاسخگویی به مطالبات خود شدند.

دور تازه اعتراضات دانش آموزان

امروز سی ام خرداد ماه دور تازه اعتراضات دانش آموزان در شهرهایی از جمله شیراز، تهران، مشهد و ارومیه به جریان افتاد. دانش آموزان خواهان تعویق امتحانات شده‌اند. مشکلات متعدد آموزشی و فشارهای روحی دوره اخیر بر روند آمادگی دانش آموزان برای امتحانات تأثیر گذاشته و دانش آموزان خواهان تعویق امتحانات و برگزاری آن بعد از اربعین هستند.

دور قبلی اعتراضات در بیش از شانزده شهر در شانزده خرداد ماه برگزار شدند و در مقابل آن دولت ناگزیر به برخی عقب نشینی‌ها شد. اعتراضات دانش آموزان یکی از اتفاقات مهم در فضای اعتراضی جامعه بعد از جنگ سی و نه روزه است و در آن خانواده‌های دانش آموزان نیز دخالتر بودند. دانش آموزان شعار میدادند: "محصل داد بزن حقتو فریاد بزن".

طبق گزارشات در مشهد پلیس سرکوبگر حکومت تعدادی از دانش آموزان را به داخل ساختمانی برده و در راه روی آنها بست.

حزب کمونیست کارگری ایران

۳۰ خرداد ۱۴۰۵، ۲۰ ژوئن ۲۰۲۶

## تجمعات اعتراضی بازنشستگان نامین اجتماعی در چندین

شهر و یک خبر دیگر

امروز ۳۱ خرداد بازنشستگان نامین اجتماعی در چندین شهر اهواز، تهران، مشهد، شوش، اراک و دزفول برای پیگیری خواسته‌های خود و در اعتراض به افزایش سرسام آور هزینه‌های زندگی و وخیم تر شدن وضع معیشتی‌شان در مقابل این سازمان تجمع کردند. در شوش بازنشستگان از شهرهای کرخه، هفت تپه و شوش تجمع و راهپیمایی کردند. معترضین شعار میدادند: "تورم اسفبار حاکم شده بر بازار"، "نه جنگ می‌خواهیم، نه کشتار؛ رفاه می‌خواهیم ماندگار"، "حقوق ما ریاویه، بهای برق دلاریه"، "بازنشسته داد بزن، حقتو فریاد بزن"، "حقوق نصفه نیمه، سکوت کنی همینه"، "ابنانو رها کن، فکری به حال ما کن".

در تهران بازنشستگان معترض مقابل سازمان نامین اجتماعی تجمع داشتند و با شعارهای کوبنده خود اعتراضات خود را بیان میکردند. از جمله شعار میدادند: "نان گران، دارو گران، دولت شده دشمن جان"، "از غارت بیمه‌ها، درمان شده درد ما"، "بنیادهای بی‌خاصیت حق ماها رو خوردن"، "سفره‌ی میدری، حاصل دسترنج ماست"، "سالاری جیرمخوار، استعفا استعفا"، "کنترل تورم حق مسلم ماست"، و "بدهی‌های دولت، به سازمان پرداخت باید گردد".

بازنشستگان در تهران با شعارهای اعتراضی خود دولت و مقامات نزد و چپاولگر حاکم را به چالش کشیدند. خواسته‌های فوری بازنشستگان عبارتند از: پرداخت فوری معوقات، بهویژه معوقات ناشی از طرح‌های همسان‌سازی/متناسب‌سازی حقوق سال‌های گذشته، افزایش و همسان‌سازی کامل حقوق با شاغلین یا سایر بازنشستگان برای جبران کاهش قدرت خرید، بهبود کیفیت خدمات بیمه درمان و رفع مشکلات مربوط به پرداخت هزینه‌ها، افزایش و تسریع در ارائه خدمات رفاهی، مانند وام‌های کبچره

افزایش حقوقها به بالای نرخ سبید معیشتی هفتاد میلیونی، درمان رایگان، پایان دادن به سرکوب و زندان و جنگ افروزیهای حکومت بساط چپاولگری های حاکم، مطالبات اصلی بازنشستگان است که در شعارهای اعتراضی آنان بازتاب دارد. بازنشستگان صدای اعتراض کل جامعه هستند.

تجمع اعتراضی کارگران بهشت زهرا

روز یکشنبه ۳۱ خرداد ۱۴۰۵، جمعی از کارگران حفر قبور و فضای سبز بهشت زهرا تهران با توقف کار و برگزاری تجمع اعتراضی مقابل ساختمان مدیریت، اعتراض خود را به حذف بخشی از مزایای مزدی شان اعلام کردند. خواست آنها بازگرداندن فوری مزایای مزدی حذف شده و توقف تهدیدهای شغلی و بهبود وضعیت نیروهای پیمانکاری و رفع شکاف مزدی و به رسمیت شناختن سختی کار آنهاست. به گفته معترضین در هفته های اخیر پرداخت اضافه کاری، مزایای کار در روزهای تعطیل، مرخصی ها و دیگر مزایای مزدی که تا حدود چهار میلیون تومان از دریافتی آنان را تشکیل می داد، حذف یا کاهش یافته است. حکومت اسلامی تلاش میکند با تعرضات معیشتی خود هزینه های جنگ افروزیها و سرکوبگریهایشان را به دوش بخشهای مختلف مردم بیندازد و مقابله با آن یک موضوع اعتراضات جاری است.

حزب کمونیست کارگری ایران

۳۱ خرداد ۱۴۰۵، ۲۱ ژوئن ۲۰۲۶

## اعتراض در محکومیت حکم شلاق پرستو احمدی و

ارکستر کاروان

امروز ۳۱ خرداد مراسم بزرگداشت استیون بلام، پژوهشگر آمریکایی موسیقی اقوام و موسیقی ایران، در خانه هنرمندان تهران برگزار شد. در این مراسم حسین علیزاده آهنگساز و از چهره های مهم موسیقی معاصر ایران یکی از سخنرانان بود. او طی سخنرانی جسورانه ای با اشاره به احکام شلاق دست اندرکاران کنسرت کاروانسرا گفت که شاهد عصر حجر هستیم. علیزاده ضمن تعریف از استعداد افراد این گروه و شجاعتشان، صدوراین احکام را محکوم کرد. حکم شلاق پرستو احمدی و همکارانش موجی از اعتراض را همراه داشته است.

گوگوش، خواننده سرشناس ایرانی نیز در صفحه اینستاگرام خود صدور حکم ۷۴ ضربه شلاق، دو سال ممنوعیت خروج از کشور و دو سال محرومیت از فعالیت هنری علیه پرستو احمدی، خواننده و هشت نفر از نوازندگان و دست اندرکاران «کنسرت کاروانسرا» را مورد اعتراض قرار داد. همچنین ندای زنان ایران طی بیانیه ای این حکم را محکوم کرد و نوشت: "ندای زنان ایران ضمن محکوم کردن حکم شلاق و دیگر احکام صادر شده در پرونده "کنسرت فرضی کاروانسرا" از همه انسانهای شریف و آزادیخواه، تشکلهای نهادهای مدافع حقوق انسان می خواهد با حمایت هر چه وسیعتر از پرستو احمدی و حق مسلم آواز و حضور آزادانه زنان در عرصه های زندگی با اتحاد و همبستگی خود، احکام صادره و سیاستهای سرکوبگرانه حاکمان را به عقب برانیم.

ما به عقب برنمی گردیم و با در هم شکستن همه بساط آپارتاید جنسی و جنسیتی و رفع هر گونه تبعیض، زندگی و آزادی را بدست خواهیم آورد."

در خارج کشور نیز یک موضوع اعتراضات روز گذشته بیستم ژوئن روز حمایت جهانی از زندانیان سیاسی و در تداوم شنبه های اعتراضی علیه جمهوری اسلامی اعتراض به احکام شلاق علیه پرستو احمدی و همکاران موزیسین وی بود. حمایت از پرستو احمدی و ارکستر کاروانسرا، اعتراضی است به بساط آپارتاید جنسی و عهد عتیقی حاکم که تلاش میکند جامعه را به قهقرا ببرد و هنرمندان و همه مردم پیشرو ایستاده اند و یک ذره در برابر این عقب ماندگی و تحجر و مافیای کوتاه نمی آیند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۳۱ خرداد ۱۴۰۵، ۲۱ ژوئن ۲۰۲۶

(وابسته به سپاه) است.

آخرین خبر اینکه اعتراضات دانش آموزان امروز علاوه بر شهرهایی که گزارش شد، در گرگان و اهواز نیز برگزار شد و طبق گزارشات تا کنونی ده شهر را در بر گرفته است. اعتراض دانش آموزان به تعویق امتحانات و قانون «تأثیر قطعی معدل» و خلف وعده‌های مسئولان آموزشی است.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۲ تیر ۱۴۰۵، ۲۳ ژوئن ۲۰۲۶

### سه حرکت اعتراضی مهم

**اعتصاب سراسری کارگران، کامیون داران و رانندگان کامیون معدن طزره، اعتراض بیش از هزار دانشجوی دانشگاه شریف به اخراج ها و اعتراض مسعود فرهیخته معلم زندانی اعتصاب سراسری کارگران، کامیون داران و رانندگان کامیون معدن طزره**

روز ۳۱ خرداد کارگران زغال سنگ طزره به همراه کامیون داران و رانندگان معدن زغال سنگ طزره (البرز شرقی)؛ در اعتراضی متحد به عدم پرداخت دستمزدهای میلیونی خود از اسفند سال گذشته دست از کار کشیدند و شریان انتقال بار را به طور کامل متوقف کردند.

**اعتراض بیش از هزار دانشجوی دانشگاه صنعتی شریف به اخراج ها**

در پی تشدید فضای امنیتی و صدور احکام تعلیق و اخراج برای چندین تن از دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف، بیش از هزار نفر از دانش‌آموختگان و دانشجویان این دانشگاه در نامه‌ای سرگشاده به ریاست دانشگاه، به روند رو به رشد پرونده‌سازی‌های انضباطی اعتراض کردند. امضاکنندگان این بیانیه در اعتراض به تشکیل دست کم ۳۰ پرونده انضباطی و صدور احکام بدوی و قطعی اخراج در ماه‌های اخیر، خواستار استعفای مدیریت دانشگاه شدند.

**خودداری مسعود فرهیخته به شرکت در دادگاه حکومت**

- بر اساس گزارش‌های منتشر شده، مسعود فرهیخته، از معلمین معترض که از ۲۵ شهریور ۱۴۰۴ در پی تأیید حکم صادره از سوی شعبه ۱۲ دادگاه تجدیدنظر استان البرز، دوران محکومیت سه سال و شش ماه و یک روز حبس خود را در زندان مرکزی کرج سپری می‌کند، با پرونده‌سازی جدیدی مواجه شده و مقرر است روز هفتم تیرماه در شعبه دوم دادگاه انقلاب کرج مورد محاکمه قرار بگیرد. او در فایلی صوتی اعلام کرده است که در این جلسه شرکت نخواهد کرد.

مسعود فرهیخته در یک فایل صوتی از زندان مرکزی کرج اعلام کرده که در پرونده سازی جدیدی که علیه او در زندان تشکیل شده که به موجب آن قرار است در ۷ تیر در شعبه دوم دادگاه انقلاب کرج به اتهام تبلیغ علیه نظام محاکمه شود، شرکت نخواهد کرد.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۳۱ خرداد ۱۴۰۵، ۲۱ ژوئن ۲۰۲۶

### صد و بیست و ششمین هفته کارزار سه شنبه‌های نه به اعدام و اخباری دیگر

**پیوستن زندان کرمان به کارزار سه‌شنبه‌های نه به اعدام**  
امروز سه شنبه دوم تیرماه کارزار سه شنبه‌های نه به اعدام صد و بیست و ششمین هفته خود را در ۵۷ زندان کشور پشت سر گذاشت. در این هفته زندان کرمان نیز به این کارزار پیوست. در بیانیه هفتگی این کارزار ضمن اشاره به روند گسترش اعدامها چنین آمده است: "مجازات اعدام در ایران نه ابزاری برای تحقق عدالت بلکه سازوکاری برای گسترش هراس، خاموش کردن صدای مخالفان و تحکیم ساختار استبدادی قدرت است. ... ما زندانیان کارزار «سه‌شنبه‌های نه به اعدام» که صدوبیست‌وشش هفته پی‌وقفه هر سه‌شنبه در زندان‌های سراسر ایران با اعتصاب غذا و آنچه در توان داشتیم به اعدام‌های قرون وسطایی در ایران اعتراض کردیم، بار دیگر اعلام می‌کنیم که حقوق بشر-مردم ایران به ویژه زندانیان قابل معامله نیست و هم‌صدا با عموم مردم ایران تا آخرین نفس و توان‌مان از آزادی، برابری و لغو حکم اعدام، دفاع خواهیم نمود. ... تاریخ نشان داده است که هیچ استبدادی با تکیه بر خشونت پایدار نمانده و هیچ حکومتی نتوانسته است صدای حق‌طلبی مردمان را برای همیشه خاموش کند. آنچه ماندگار خواهد بود، آرمان آزادی، برابری و احترام به حق حیات و کرامت انسان است؛ ارزش‌هایی که مردم ایران برای تحقق آن بهای سنگینی پرداخته و همچنان بر آن پای می‌فشازند."

**تجمع اعتراضی دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه آزاد**

روز ۱ تیر دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری دانشگاه آزاد اسلامی در اعتراض به تصمیم ناگهانی برای حضوری شدن امتحانات مقابل سازمان مرکزی دانشگاه تجمع کردند. بدنبال این تجمع اعتراضی مسئولان اعلام کردند که زمان برگزاری امتحانات به مدت ۲۰ روز به تعویق می‌افتد، اما اصل تصمیم برای حضوری شدن آزمون‌ها همچنان پابرجاست و لغو نشده است. اما دانشجویان اعلام کردند که در صورت عدم لغو این تصمیم، اعتراضات ادامه خواهد یافت و برای پیگیری مطالبات خود، فردا نیز مقابل سازمان مرکزی دانشگاه آزاد تجمع خواهند کرد.

**تجمع اعتراضی پرسنل مرکز بهداشت اسلام‌آباد غرب**

روز گذشته یک تیرماه پرسنل مرکز بهداشت اسلام‌آباد غرب در اعتراض به وضعیت نامناسب حقوق، مزایا و مشکلات روزافزون معیشتی، دست به تجمع اعتراضی زدند.

**ادامه اعتراضات کارکنان علوم پزشکی کرمانشاه**

روز ۳۱ خرداد کارکنان دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه برای چندمین بار در اعتراض به ضریب ۲۰ درصدی افزایش حقوق مقابل استانداری تجمع کردند. اعتراض این کارکنان به سطح نازل حقوق و غیرمتناسب بودن آن با شرایط معیشتی فعلی است.

**تجمعات اعتراضی بازنشستگان مخابرات**

در اطلاعیه روز گذشته از سرگرفته شدن تجمعات بازنشستگان مخابرات خبر دادیم. بنا بر گزارشات تکمیلی این تجمعات علاوه بر سنندج در تهران و اهواز نیز برگزار شدند. اعتراض بازنشستگان به سطح نازل حقوقها، محرومیت از درمان رایگان، خلف وعده‌ها و عدم پرداخت معوقات معوقه و چپاولگریهای سهامداران عمده مخابرات یعنی ستاد اجرایی فرمان امام و کنسرسیوم اعتماد مبین

# انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سر دبیر: سیاوش آذری

ادیتور: کاظم نیک خواه

مسئول فنی: بابک یزدی



انترناسیونال هر هفته شنبه‌ها

منتشر می‌شود



شماره حساب و تلفن‌های تماس برای کمک مالی

سوئد:

Sweden

Nordea Plusgirokonto: 4122379-3

Bankkontonummer: 9960264 1223793

IBAN: SE1095000099602641223793

BIC: NDENSESS

آلمان:

Germany

Name: M. Eli

Bankverbindung: Postbank

IBAN: DE86 1001 0010 0585 5421 23

BIC/SWIFT: PBNKDEFF

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور

دیگر:

انگلیس:

Bank: NatWest

Account holder: WPI

Account number: 45477981

Sort code: 60-24-23

IBAN: GB77NWBK60242345477981

BIC: NWBKGB2L

سؤالی دارید می‌توانید با شماره‌های زیر تماس

بگیرید:

تماس از خارج

سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

از آمریکای شمالی:

بابک یزدی: ۰۰۱۴۱۶۴۷۱۷۱۳۸

یوتل‌ست

فرکانس ۱۱۳۸۷

افقی ۲۷۵۰۰

مشخصات فنی تلویزیون

کانال جدید

ترکمن عالم

(جهت یاهست)

فرکانس ۱۰۸۴۵

عمودی ۲۷۵۰۰

اف ای سی ۲/۳

KANAL JADID  
کانال جدید